



اشاره:

در دو قسمت پیشین، معنای واژه آزادی و تعریف آن، پیشینه آزادی در اندیشه‌های غربی، شرقی و فرهنگ ایرانی، و انواع آزادی (تکوینی و تشریحی) مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در این شماره ویژگیهای انسان آزاد را از نگاه اسلام و حکما تبیین می‌کنیم.

انسان آزاد از نگاه اسلام و حکما
 الف) صفات انسان آزاد از نگاه اسلام
 در منابع دینی برای انسان آزاد صفات متعددی - مثل عفت، حیا،

حسن خلق و گشاده رویی، بنده شاکر خداوند بودن، شکیبایی و شکست ناپذیری در برابر مشکلات زندگی و مصیبت‌های وارده، سخاوت و بخشندگی، دوری از کینه توزی و نیرنگبازی و حیله‌گری، مخالفت با هواهای نفسانی، قناعت، دوری از طمعکاری و دنیاطلبی، کسب مال از راه حلال و ... بیان شده است. از نظر اسلام، انسان آزاد کسی است که وجودش مالا مال از صفات حسنه و فضائل اخلاقی و معنوی است. او کسی است که سعی می‌کند هیچ وقت اعمال ناشایست و ناروا مرتکب نشود

و از هر گونه اعمال خلاف اخلاق و کرامت نفسانی برحذر است. مردان آزاد، خدا را به خشم نمی آورند و پیوسته در راه رضای او قدام برمی دارند. آنان حصارها، دامها، قید و بندهای شیطانی و هواهای نفسانی را در هم شکسته و خویشان را از بند شکم و شهوت (ریاست طلبی، دنیا طلبی، فحشا و فساد و...) رها می سازند. اینک درباره هر کدام از صفات یاد شده در خصوص آزاد مردان به چند نمونه از روایات بسنده می کنیم:

۱. شکر گذاری و محبت به درگاه الهی

امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَبَلَغُوا عِبَادَةَ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْأَخْرَارِ؛ گروهی خدا را به امید [رفتن به بهشت] پرستش کردند، که این پرستش تجار و بازرگانان است، و گروهی او را از روی ترس [از جهنم] عبادت کردند، که این عبادت بردگان است، و گروهی خدا را از روی سپاسگزاری پرستیدند و این پرستش آزادگان است.»

و امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْأَخْرَارِ؛ گروهی خداوند را از روی سپاسگزاری می پرستند و این پرستش آزادگان است.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْعِبَادَةَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْعَبِيدِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْأَجْرَاءِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْأَخْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ؛ عبادت کنندگان سه دسته اند: ۱. گروهی از روی ترس خدا را عبادت می کنند؛ و این عبادت بردگان است. ۲. و گروهی خدا را از روی طمع ثواب عبادت می کنند؛ و این عبادت مزدوران است. ۳. و دسته ای دیگر خدا را از روی دوستی و حب خداوند عبادت می کنند؛ و این عبادت آزادگان است و بهترین عبادت می باشد.»

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۲۳۷.

۲. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، (طهران، انتشارات المكتبة الاسلامية، ۱۳۹۵ هـ.ق) ج ۷۸، باب ۲۲، ح ۲۹.

۳. ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، (تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، بی تا) ج ۳، باب عبادت، ح ۵.

۲. عفت و حیا

امام امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:
 «إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْعِفَّةَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيمَانِ وَأَنْهُمَا
 لَسَجِيَّةُ الْأَخْرَارِ وَشِبْمَةُ الْأَبْرَارِ؛ حیا و عفت
 از خصلت‌های ایمان است و این دو،
 سرشت آزادگان و خوی نیکان است.»

و امام صادق علیه السلام می فرماید:
 «خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ خِصْلَةٌ مِنْهَا
 فَلَيْسَ فِيهِ كَثِيرٌ مَسْتَمْتِعٍ، أَوْلَاهَا: الْوَفَاءُ، وَالنَّاتِيَةُ:
 التَّذَبُّرُ، وَالثَّالِثَةُ: الْحَيَاءُ، وَالرَّابِعَةُ: حُسْنُ
 الْخُلُقِ، وَالْخَامِسَةُ: وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ
 - الْحُرِّيَّةُ؟ پنج خصلت است که در هر
 کس از آنها نباشد خیر و بهره زیادی در
 او نیست. اول: وفاداری، دوم: تدبیر،
 سوم: حیا، چهارم: خوش خویی و
 پنجم: - که چهار خصلت دیگر را نیز
 در خود دارد - آزادی است.»

طبق این حدیث، حریت و
 آزادی جامع تمام صفات یاد شده
 است، با این وصف انسان آزاد یعنی
 انسان وفادار، مدبر، عقیف و اهل شرم
 و حیا، خوش خوی و خوش رفتار.

۳. مخالفت با هواهای نفسانی و

شیطانی

امام امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ، وَالتَّائِسُ فِيهَا رَجُلَانُ: رَجُلٌ
 بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا، وَرَجُلٌ إِنْبَاعَ نَفْسِهِ فَأَعْتَقَهَا؟^۱
 دنیا سرای گذر است و مردم در آن دو
 دسته‌اند: کسی که نفس خود را
 فروخت و آن را اسیر و برده کرد و
 کسی که نفس خویش را خرید و
 آزادش ساخت.»

و در روایت دیگری می فرماید:
 «مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا؟^۲ هر کس که
 خواهشهای نفسانی و شیطانی را ترک
 کند، آزاد است.»

و امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ
 صَاحِبَ الدِّينِ مَنْ... رَفَضَ الشَّهَوَاتِ قِطَارَ
 حُرًّا؟^۳ دین‌دار کسی است که

۱. عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم،
 ترجمه محمد علی انصاری قمی، (قم،
 دارالکتاب، بی تا) ج ۱، ص ۲۴۵، فصل نهم،
 ح ۲۲۹.

۲. الشیخ ابی جعفر الصدوق، الخصال، ترجمه
 محمد باقر کمره‌ای، (تهران، انتشارات کتابخانه
 اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ه.ش) ج ۱،
 ص ۲۵۶، باب الخمسة، حدیث ۲۹.

۳. محمد، محمدی نیک، میزان الحکمة، مترجم،
 واژه الحرية، شماره ۷۷۸، ح ۳۵۷۸.

۴. ابو الفتح کراچکی، کنز الفوائد، (قم، انتشارات
 دارالذخائر، ۱۴۱۰ ه.ق)، ج ۱، ص ۳۴۹.

۵. محمد بن نعمان عکبری، الأملی، (قم، چاپ
 کنگره شیخ مفید، نوبت دوم، ۱۴۱۳ ه.ق)،

خواسته‌های نفسانی را کنار گذاشته و آزاد گردد.»

۴. شکبیا و شکست‌ناپذیر

امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْحُرُّ حُرٌّ وَإِنْ مَسَّهُ الضَّرُّ؛ آزاد، آزاده است هر چند سختی و مرارت ببندد.» و در روایت دیگر می‌فرماید: «مَنْ صَبَرَ صَبْرَ الْأَخْزَارِ وَالْأَسْلَافِ الْأَعْمَارِ؛ [در مصیبت‌ها] یا چون آزادگان باید شکبیا بود، و یا چون ابلهان خود را به فراموشی زد.»

و امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْحُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَسْوَأِ أَسْرِهِ؛ وَإِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ وَإِنْ أَسِرَ وَقَهَرَ وَاسْتَبْدَلَ بِالْيَسْرِ عُسْرًا، كَمَا كَانَ يُوسُفُ الصِّدِّيقُ الْأَمِينُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَمْ يَضُرَّهُ حُرْبَتُهُ أَنْ اسْتُعْبِدَ وَقَهَرَ وَأَسِرَ؛ آزاده در همه

مقهور و اسیر گشت؛ به آزادگی او آسیب نرساند.»

۵. قناعت و دوری از طمعکاری

امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْعَبْدُ حُرٌّ مَا قَنِعَ، الْحُرُّ عَبْدٌ مَا طَمِعَ؛ بنده (انسان) قانع آزاد است و (انسان به اصطلاح) آزاد طمعکار، بنده است.» و در روایت دیگر می‌فرماید: «الطَّمَعُ رِقٌّ مُخَلَّدٌ؛ طمع کاری بندگی همیشگی است.»

و نیز در روایت دیگری می‌فرماید: «لَا يَسْتَرْقَتُكَ الطَّمَعُ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ مبادا طمع تو را بنده خویش سازد، و حال آنکه خداوند متعال تو را آزاد آفریده است.»

۶. خوش‌رویی و کشاده‌رویی

امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

- ص ۴۳، مجلس ششم، ح ۱۴.
 ۱. غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل اول، ح ۱۳۶۹.
 ۲. نسج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۱۳.
 ۳. اصول کافی، مترجم، ج ۳، ص ۱۴۲، باب الصبر، ح ۶.
 ۴. غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۸، فصل اول، ح شماره ۴۶۷ و ۴۶۸.
 ۵. همان، ص ۳۳، ح ۱۰۲۶.
 ۶. همان، ج ۲، ص ۸۱۱، فصل ۸۵، ح ۱۶۶.

حال آزاده است، اگر بلا و سختی به او رسد شکبیایی و رزد و اگر مصیبت‌ها بر سرش فرو ریزد او را نشکنند، هر چند به اسیری افتد و مقهور شود و آسایش را از دست بدهد و به سختی [و تنگدستی] افتد. چنان‌که یوسف صدیق امین، صلوات الله علیه چنین بود و اینکه به بندگی گرفته شد و

کند، آزادگی و حریت وی کامل است.»
و در روایت دیگری می‌فرماید:
«إِذْ لَوْلَا فِي الْحَقُوقِ، وَوَأَسِ بِهِ الصَّدَقِ؛
فَإِنَّ السَّخَاءَ بِالْحَرِّ أُنْخَلِقُ؟^۶ اموال خویش
را در آنجا که حق است ببخش و با آن
دوست [خود] را یاری رسان که
بخشنندگی برای انسان آزاد اخلاقی‌تر
است.»

۹. زهد و دنیاطلبی

امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَنْ
زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ وَأَرْضَى رَبَّهُ؟^۷ هر
که در دنیا زهد ورزد، نفس خویش را
آزاد کرده و خدایش را خشنود ساخته
است.»

۱۰. کسب مال از راه حلال

امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مِنْ

۱. همان، از چاپ یک جلدی، (قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶ ه.ش) ج ۱، ص ۴۳۴، ح شماره ۹۲۱.
۲. همان، ج ۱، ص ۲۴، باب یک، ح ۷۰۷.
۳. همان، ج ۱، ص ۳۷۹، باب ۲۷، ح ۵۵.
۴. همان، ج ۱، ص ۵۵، باب یک، ح ۱۵۲۲.
۵. همان، چاپ یک جلدی، (قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول)، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۸۷۲۴.
۶. همان، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۸۴۵۲.
۷. همان، ج ۲، ص ۶۸۵، فصل ۷۸، ح ۱۱۵۳.

«الطَّلَاقُ شَيْمَةٌ السُّحْرُ^۱؛ گشاده‌رویی
خصلت انسان آزاد است.»
و در روایت دیگر می‌فرماید:
«الْبِشْرُ شَيْمَةٌ الْعُرِّ^۲؛ گشاده‌رویی
انسان آزاد است.»
و همچنین می‌فرماید: «حُسْنُ الْبِشْرِ
شَيْمَةٌ كُلُّ حُرٍّ^۳؛ خوش‌رویی خوی هر
آزاده‌ای است.»

۷. دوری از کینه‌توزی و حیله و نیرنگ

امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:
«الْحُرِّيَّةُ مُنْزَمَةٌ مِنَ الْغُلِّ وَالْمَكْرِ^۴؛ آزادگی از
کینه‌توزی و حیله و نیرنگ مبرا است.»
یعنی انسان آزاد هیچ وقت دغل‌باز،
حقه‌باز و حیله‌گر و مکار نیست و
کسانی که با وجود این صفات احساس
مسی‌کنند آزاد هستند سخت در
اشتباه‌اند، بلکه در غل و زنجیر شیطان
و هوای نفس گرفتارند، لکن خودشان
از این مسئله در غفلت و جهالت به سر
می‌برند!

۸. سخاوت و بخشندگی

امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَنْ
قَضَىٰ مَا أَسْلَفَ مِنَ الْإِحْسَانِ فَهُوَ كَامِلٌ
الْحُرِّيَّةِ^۵؛ هر کس به [وعدۀ] نیکی و
احسانی که در گذشته شده است عمل

بندگی خالص خداوند، سرسپردگی کامل در برابر حق و حقیقت، نیکوکاری و دوری از کردارهای بد، تعقل و تفکر و تدبیر در امور مادی و معنوی، دوری از تقلیدهای کورکورانه (بدون تحقیق و بررسی)، مخالفت با هواهای نفسانی و دوری از امیال حیوانی، وظیفه‌شناسی، زهد و تقوا و دوری از تمنیات دنیوی، حفظ اسرار، سعه صدر، سخاوت و بخشندگی، صداقت و درستکاری، عفت و پاکدامنی، قناعت و دوری از اصراف و دوری از ریاکاری، از جمله صفت‌هایی است که حکما انسانهای آزاد را با آنها توصیف نموده‌اند. در ذیل نمونه‌هایی از بیانات حکما در زمینه صفات یاد شده را متذکر می‌شویم:

بندگی خالص خداوند

از نظر حکما انسان آزاد کسی است که جز پرستش خداوند و بندگی او، کسی دیگر را نمی‌پرستد و هیچ کس را به عنوان مولا و رئیس خود در رقیبیت و بندگی نمی‌پذیرد.

۱. همان، ص ۳۵۴، ح ۸۱۰۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۵۷، فصل ۵، ح ۹۷.

تَوْفِيقَ الْحُرِّ اِكْتِسَابُهُ اَلْمَالِ مِنْ جِلَّةٍ؛ از توفیق انسان آزاده این است که مال را از راه حلال به دست می‌آورد.

۱۱. دوری از مردم آزاری

امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «اِيَّاكَ وَنَا يَسْخَطُ رَبُّكَ وَيُوحِشُ النَّاسَ مِنْكَ فَمَنْ اَسْخَطَ رَبَّهُ تَعَرَّضَ لِلْمَيْتَةِ وَمَنْ اُوْحَشَ النَّاسَ كَثُرَ مِنْ الْحَرِيَّةِ؛ از آنچه که پروردگارت را به خشم می‌آورد، و مردم را از تو می‌ترساند بپرهیز؛ زیرا هر کس خدایش را به خشم آورد خود را در معرض مرگ (همیشگی که دوزخ است) درمی‌آورد و هر کس مردم را بترساند از آزادگی [و حریت] جدا می‌گردد.»

ب) انسان آزاد از نگاه حکما و

دانشمندان

حکما با صفات متعددی انسانهای آزاده را توصیف نموده‌اند. از نظر آنان، انسان آزاد کسی است که مقید به رعایت معنوی و اخلاقی است و بیش از دیگران ایمان به خدا و بندگی او، حقیقت‌جویی و دوری از تمنیات دنیوی در وجود و رفتارش متبلور است.

- «پروفسور دیوید دوسانتیلانا»
استاد تاریخ سیاسی و مذهبی دانشگاه
رم می‌گوید: «انسان آزاد، هیچ رئیسی
(مولائی) جز خداوند ندارد،
خداوندی که خالق و حاکم تمام
موجودات است.^۱»

- «محمی الدین عربی» می‌گوید:
«آزاد، کسی است که تنها بنده خدا
است.^۲»

- «عبدالکریم قشیری» می‌گوید:
«حقیقت آزادی منوط به کمال و بندگی
در ارتباط با خداوند است و خلاصی و
رهایی یافتن از هرگونه رقیب و بندگی
غیر خدا است.^۳»

نیکوکاری و دوری از کردار بد

از صفات دیگر انسان آزاد آنست که،
از نیکوکاری دریغ نمی‌کند و از کردار
ناپسند برحذر می‌باشد.

از فیثاغورث سؤال شد: چه کسی آزاد
است؟ در جواب گفت: «کسی که کار نیک
انجام می‌دهد.^۴»

و نیز ارسطو می‌گوید: «آزادی یعنی
اینکه انسان در خدمت خیر باشد، پیوسته
آن را به‌روراند و درجه خدمتش، دامنه
آزادی‌اش را تعیین می‌کند؛ زیرا کسی که

[کار] نیک انجام نمی‌دهد آزاد نیست.^۵
و «فیثاغورث» در عبارت دیگری
می‌گوید: «مشکل است انسان آزاد باشد، در
حالی که مطیع کردارهای بدی شود که عادتاً
انجام می‌شود.^۶»

و «اپیکتتوس» فیلسوف رومی
می‌گوید: «هیچ انسان بدکاری آزاد
نیست.^۷»

مخالفت با هوای نفس و دوری از امیال

حیوانی

از صفات بسیار برجسته و مورد

۱. میراث اسلام، سیزده نفر از استادان
دانشگاههای انگلستان، زیر نظر سرتماس
آرنولد و آلفرد گیدم، ترجمه مصطفی علم،
(تهران، انتشارات کتابفروشی مهر، چاپ اول،
۱۳۲۶ ه.ش)، ص ۲۷۴.

۲. «مَنْ لَا يَسْتَرْقُ كُونَ إِلَّا اللَّهُ فَهُوَ حُرٌّ». محمی الدین
ابن عربی، الفتوحات المکیة، (بیروت:
دارالصادر، بی تا)، ۵ جلدی، جلد ۲، ص ۶۳۲۷،
باب ۱۴۰.

۳. عبدالکریم القشیری، الرسالة القشیریة،
(بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸
ه.ق.)، ص ۲۵۳.

۴. همان، ص ۱۵۶-۱۵۸.

۵. همان.

۶. همان.

۷. داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، (تهران،
انتشارات سه‌روردی و مروارید، چاپ اول،
۱۳۶۶ ه.ش)، ص ۲۱.

شهوانی (امیال حیوانی) مربوط می‌شود؛ این فضیلت زمانی که انسان امیال حیوانی (حس شهوانی) را مطابق با توانایی عقلانی خویش به کار می‌گیرد، در او ظاهر می‌گردد. یعنی انسان زمانی که از روی بصیرت و تشخیص عمل کند؛ و مادامی که مطیع امیال حیوانی نباشد، آزاد است. چنین انسانی دیگر برده هیچ یک از امیال حیوانی اش نیست.^۳

«فیثاغورث» می‌گوید: «آزادی یعنی کنترل نفس؛ کسی که قادر نیست خودش را - در برابر هوای نفس - کنترل کند، آزاد شمرده نمی‌شود؛ زیرا کنترل نفس شرط لازم کنترل کردن دیگران است.^۴ و بالاخره «ابوالفتح بُستی» می‌گوید: «در واقع، آزاد کسی است که

تأکید حکما درباره انسان آزاد آن است که چنین شخصی کارهای خود را بر اساس هوای نفس و امیال حیوانی انجام نمی‌دهد و خویشتن را از بردگی هواهای نفسانی و امیال شهوانی رهایی می‌بخشد؛ چرا که هوا و هوس نشانه تمامی جاه‌طلبیهای دنیوی است.

«ارسطو» می‌گوید: «آزادی یعنی اینکه فرد از بردگی امیال حیوانی خویش که از نظر عقل سزاوار سرزنش است، رهایی یابد.^۱»

«کسارل یاسپرس» فیلسوف اروپایی و از بزرگترین متفکران مکتب «اگزیستانسیالیست» می‌گوید: «انسان آن‌گاه آزاد است که چیزی را از روی خواهشهای نفسانی نخواهد. در واقع آزادی آنجاست که انسان نه از سر هوا و هوس عمل کند و نه به سبب اطاعت کورکورانه، بلکه از روی علم و آگاهی عمل نماید. انسان به آسانی خود را فریب می‌دهد؛ هوا و هوسهای وی او را بر آن می‌دارند که عقیده خود را حق بدانند و از آن دفاع کند.^۲»

«ابن مسکویه» می‌گوید: «عفت از فضیلت احساسی است که به حس

۱. مفهوم آزادی...، ص ۱۶۱.

۲. عبدالله نصری، خدا و انسان در فلسفه یاسپرس، (تهران: انتشارات آذرخش، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش)، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

۳. ابی‌علی احمد بن محمد بن یعقوب الرازی «مسکویه»: تهذیب الاخلاق و تطهیر الأعراق، (قم: انتشارات بیدار، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰ ه.ق).

۴. مفهوم آزادی...، ص ۱۵۶، ۱۶۵.

خود را از بردگی امیال حیوانی و عیوب خویش برهاند؛ آزاد کسی است که چیزی را که به دست می‌آورد، از او قابل سلب نباشد، مشتاقانه برای افزایش خیر - در کردارها و صفات - تلاش نماید.^۱

پاسخ مثبت به کارهای خوب

معیارهای عالی اخلاق که در انسان آزاد موجود است اقتضا می‌کند که او پاسخگویی مثبت به خدمات توده‌های مردم را وظیفه خود تلقی کند.

«افلاطون» می‌گوید: «اگر با یک انسان آزاد به خوبی رفتار کنید، او خود را ملزم به انجام کار نیکی در مقابل کار نیک شما می‌داند، اما اگر با یک انسان پست و فرومایه به خوبی رفتار کنید؛ او وسوسه شده، از شما خدمت بیش‌تری طلب می‌نماید.

زیرا مردمان پست فکر می‌کنند که اعمال نیکی که برای آنها انجام شده است، طلبی بوده که آنها داشته‌اند؛ در حالی که انسانهای آزاد فکر می‌کنند آن کارهای نیک، دینی به گردن خود ایشان بوده است.^۲

زهد و دوری از تمنیات دنیوی از صفات بسیار بااهمیت و ارزشمند انسان آزاد، زهد و دوری از تمنیات دنیوی است؛ چرا که تمنیات و آرزوهای نشأت گرفته از طبع حیوانی، بیش از هر آرزوی دیگری انسان را برده می‌سازد، و فرد را در معرض بردگی‌ای قرار می‌دهد که بسیار حقارت‌آمیزتر از بردگی جسمانی و حقوقی است. مبارزه با این آرزوها و غلبه نهایی بر آنها، انسان را آزاد می‌سازد.

بالاخره زهد و رهایی از تمنیات دنیوی، یکی از مراتب کمالات انسانی است که وی را در دنیا و آخرت سعادت‌مند می‌گرداند.^۳

«هومر» می‌گوید: «کسانی که شیفته پول هستند، آزادی ندارند.^۴

«عبدالله بن مقفع» می‌گوید: «یک انسان آزاد نمی‌تواند حریص باشد.^۵

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۹۴.

۴. همان.

۵. همان.

و «ایمانوئل کانت» می‌گوید:
«آزادی به این معنا نیست که انسان
بتواند راهی مخالف عقل قانونگذار
خویش انتخاب کند.»^۴

صفات دیگر

حفظ اسرار، سعه صدر، سخاوت
و بخشندگی، صداقت، عفت، قناعت و
بی‌ریایی از جمله صفت‌های دیگری
است که حکما انسان‌های آزاد را به آنها
توصیف نموده‌اند.

«بطلمیوس» می‌گوید: «قلبه‌ای
انسان‌های آزاد، دژهای محکمی برای
حفظ اسرار هستند.»^۵

«افلاطون» می‌گوید: «یکی از
صفات ویژه‌ای که در انسان آزاد یافت
می‌شود این است که برای خشنود
کردن کسانی که پایین‌تر از او بوده، در
تلاش هستند، سعه صدر بیش‌تری
دارد. همچنین او می‌تواند انسان‌های

«هیپوکریت» می‌گوید: «کسی که
دوست دارد آزاد باشد؛ نباید خواهان
چیزی باشد که ممکن نیست در
تصرف او باشد، بلکه باید از آن چیز
فرار کند. در غیر این صورت برده آن
چیز می‌گردد.»^۱

و «فیثاغورث» می‌گوید: «کسی که
می‌خواهد آزاد باشد نباید آرزوی به
دست آوردن چیزی کند که تنها از
طریق رغبت و رضایت کسی دیگر به
دست آمدنی است.»^۲

عقل و تدبیر

تعقل، تدبیر و درایت از دیگر
صفات انسان‌های آزاد است که حکما به
آنها اشاره نموده‌اند.

«اسکندر افرودیسی» می‌گوید:
«انسان‌های آزاد در زمینه سیاست و
تدبیر امور منزل خود به طور منظم و
هدفمند عمل می‌کردند، در حالی که
بردگان بیشتر اوقات کورکورانه عمل
می‌کنند.» این عبارت مورد تأیید ابن
سینا نیز قرار گرفته است.^۳

«باروخ اسپینوزا» می‌گوید: «انسان
آزاد، کسی است که تنها به موجب
حکم عقل، زیست می‌کند.»

۱. همان.

۲. همان.

۳. مفهوم آزادی...، ص ۱۶۹.

۴. عبدالله نصری، خدا و انسان در فلسفه
یاسپرس، (تهران، انتشارات آذرخش، چاپ اول،
۱۳۵۷ ه.ش)، ص ۳۵۷.

۵. مفهوم آزادی...، ص ۱۶۹.

انسان آزاد یعنی انسان وفادار، مدبر، عفیف و اهل شرم و حیا، خوش خوی و خوش رفتار

عمل نمی‌کند؛ حتی اگر عمل ریاکارانه
تنها راه ممکن حفظ هستی او باشد،
بلکه همواره صادقانه عمل می‌کند.^۷
و در جای دیگر می‌گوید: «عمل
انسان آزاد هرگز فریبکارانه نیست،
بلکه همواره صادقانه است.^۸»
ادامه دارد...

پایین تر از خود را بهتر از انسانهای
مافوقش تحمل نماید.^۱

و درباره صفت صداقت می‌گوید:
«حمایت انسانهای آزاد از طریق
احترام شدید (از روی صدق و صفا) به
دست می‌آید.^۲»

«ارسطو» می‌گوید: «انسانهای آزاد
طبیعتاً بخشنده‌اند؛ بخشنده‌ای که فاقد
آزادی است، تنها از روی عادت و
حیله‌گری بخشنده است.^۳»

«رشید الدین ابن خلیفه» می‌گوید:
«قناعت در ورودی آزادی است.^۴»
«ابن مقفع می‌گوید:

کسی که او نظر عقل در زمانه کند
چنان سزد که همه کار عاقلانه کند

قناعت است و مروّت نشان آزادی
نخست خانه دل وقف این دوگانه کند.^۵

و «ابوالخیر حسن بن سوار خمار (از
فیلسوفان قرن دهم بغداد) می‌گوید: «انسان
آزاد باید محبوب و عفیف باشد و شیفته
پول نباشد. باید سخاوتمند باشد؛ زیرا
خست مساوی با ترجیح دادن پول بر
انسانیت و حریت است.^۶»

و بالاخره «باروخ اسپینوزا»
می‌گوید: «انسان آزاد هرگز ریاکارانه

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. عبدالله بن المقفّع، الادب الوجیز للولد
الصغیر، ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی،
(اصفهان: چاپخانه افست مروی، نوبت دوم،
۱۳۴۴ ه.ش)، ص ۱.

۶. مفهوم آزادی...، ص ۱۶۲.

۷. جی. ایچ. آر. پارکینس، عقل و تجربه از نظر
اسپینوزا، ترجمه محمد علی عبداللّهی، (قم،
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ ه.ش)،
ص ۱۵۱ و ۱۸۰.

۸. همان.